

نقش ارتباطات بین سازمانی نیروی انتظامی در ارتقاء امنیت عمومی

(مورد مطالعه: شهر بندرعباس)

رضا عبدالرحمانی^۱، اصحاب حبیبزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۵/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: رویکرد ارتباطات بین سازمانی با تأکید بر ارتقاء امنیت، به این معناست که همه نهادهای اجتماعی و سازمان‌های رسمی و غیررسمی در تأمین و حفظ امنیت عمومی، همراه با پلیس، سهیم هستند. بنابراین هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تبیین نقش سازمان‌های رسمی و غیررسمی بیرون از نیروی انتظامی با تأکید بر نقش «هریک از سازمان‌های مردم‌نهاد» و «روش‌ها و ابعاد برقراری ارتباط پلیس با سازمان‌های یادشده» در ایجاد بسترهای امنیت عمومی شهر بندرعباس است.

روش: روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، همه مدیران، فرماندهان و کارشناسان درون و برون‌سازمانی نیروی انتظامی، نخبگان و مسئولان قوه قضائیه استان هرمزگان هستند که به نوعی در موضوع پژوهش صاحب‌نظر بوده یا مسئول هستند. نمونه آماری انتخاب شده همان جامعه آماری است. با توجه به محدود و مشخص بودن جامعه آماری (تعداد ۲۰۰ نفر) نمونه به روش تمام‌شمار انتخاب شد. سنجش روایی پرسش‌نامه از اعتبار سازه و سنجش پایایی پرسش‌نامه نیز با محاسبه آلفای کرونباخ، ۰/۹۲۹ به دست آمد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان از متوسط بودن سطح امنیت عمومی برای خانواده‌های بندرعباسی، به ترتیب ۶۵ و ۶۴ درصد از کارشناسان موافق حضور سازمان‌های مردم‌نهاد و شورای اسلامی در امنیت شهر بندرعباس هستند؛ ارتباط در سطوح فرهنگی و اطلاع‌رسانی باید در اولویت نیروی انتظامی باشد؛ ارتباط دوسویه نیروی انتظامی با سازمان‌های مردم‌نهاد با ۸۰ درصد بالاتر از ارتباطات خطی و یک‌سویه نیروی انتظامی مؤثر است؛ شیوه‌های بین شخصی بیشتر برای تقویت و قوام ارتباط با سمن‌ها و شیوه‌های رسانه‌ای بیشتر برای اطلاع‌دهی و آگاهی‌رسانی عمومی کاربرد دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از بین سازمان‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، بسیج و شوراهای اسلامی شهر، سهم بیشتری در هدایت امنیت سواحل به همراه تعامل با نیروی انتظامی دارند.

کلیدواژه‌ها: سازمان‌های غیررسمی، ارتباطات بین سازمانی، امنیت ساحلی، امنیت عمومی، بندرعباس

استاد: عبدالرحمانی، رضا؛ حبیبزاده، اصحاب (تابستان، ۱۳۹۵). نقش ارتباطات بین سازمانی نیروی انتظامی در ارتقاء امنیت عمومی (مورد مطالعه:

شهر بندرعباس). فصلنامه مطالعات مدیریت/انتظامی، ۱۱(۲)، ۲۶۱-۲۹۰.

مقدمه

به باور برخی اندیشمندان، ارتباطات بین سازمانی به عنوان یکی از باارزش ترین منابع سازمان‌ها تلقی می‌شود که همه سازمان‌ها باید در حفظ و ارتقاء آن بکوشند؛ زیرا بخش اعظمی از موفقیت‌ها و شکست‌های سازمان‌ها در همه حوزه‌ها (به‌ویژه امنیت و نظم اجتماعی)، وام‌دار وجود ارتباطات بین سازمانی کارآمد است (آذر و همکاران، ۱۳۸۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توسعه و پیشرفت جوامع و همچنین موفقیت آنها، تا اندازه‌ای بازتابی از نظام ارتباطی بین سازمان‌هاست (زارعی، ۱۳۸۵: ۱۵). ارتباطات بین سازمانی، همواره یکی از عوامل اثرگذار بر تولید و گسترش دانش، بازار و خدمات بوده و زمینه‌ساز انسجام و هماهنگی در جامعه است (هال^۱، ۱۳۷۶: ۳۷۲). ارتباطات بین سازمانی تا اندازه زیادی می‌تواند در جریان ارائه اطلاعات از راه فناوری‌های اطلاعاتی، برای سازمان‌هایی که در این فرایندها شرکت دارند، کمک کند. ارتباطات اگرچه مسئولیت‌های خطیری برای سازمان‌های دخیل در آن به‌جود می‌آورد، ولی بسیاری از هزینه‌های جاری و سالانه ارتباطی را کاهش داده، قابلیت‌های سازمان را در رسیدن به هدف‌های فردی و مشترک افزایش می‌دهد (آقاجانی، ۱۳۸۸ و ابراهیم، ۲۰۰۳).

مطالعه «ارتباطات بین سازمانی»، برای نمونه در تأمین امنیت و نظم، از این بابت که سازمان‌ها هرگز به تنهایی عمل نمی‌کنند و همیشه در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند و از آنجا که ارتباطات بین سازمانی نخستین وظیفه مدیریت برنامه‌ریزی قلمداد شده (دار، ۲۰۰۳ و همیلتون، ۱۳۷۵: ۲۵) و امروزه از مهم‌ترین ابزار مدیریت به‌ویژه در محیط‌های پیچیده و آشفته است (هال، ۱۳۸۴: ۲۷۹ و زبردست، ۲۰۰۶)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (میر^۲، ۱۹۹۵). ارتباطات به باور بارنارد^۳ (۱۹۳۸)، قلب سازمان، در نزد کتز و کان^۴ (۱۹۷۸) روح و اساس سازمان و به اعتقاد استینج کامب^۵ (۱۹۹۰)، کانون و مرکز سازمان‌ها و بالاخره به باور موهان (۱۹۹۳)، داروی همه

1. hall

2. Mir

3. Barnard

4. Katz and Kahn

5. Combi Astynj

دردهای سازمان‌هاست (هال، ۱۳۸۴: ۲۷۸ و ۲۸۱). یافته‌های ترومن نشان داد که ارتباطات بین سازمانی قابلیت‌های ارزشمندی مانند شیوه‌های انتشار سریع اطلاعات، نوآوری‌های سریع و حل بسیاری از مشکلات اجتماعی از بهداشت و سلامت گرفته تا کاهش جرایم و ارتقاء امنیت به سازمان‌ها کمک می‌کند (ترومن، ۱۹۹۶؛ راب و میلوارد، ۲۰۰۳: ۴۱۳).

بنابراین صرف وجود نیروی‌های قهریه و قانونی (مانند سازمان نیروی انتظامی و سازمان‌های اطلاعاتی - نظامی) برای ایجاد امنیت در یک جامعه، محله و یا منطقه کافی نیست و در این باره نیازمند همکاری و ارتباط (تولید و تبادل اطلاعات و یافته‌های علمی) سازمان‌های مختلف امنیتی و غیر امنیتی از قبیل سازمان‌های اقتصادی (تجارت، سرمایه‌گذاری، اشتغال، تأسیس یا حمایت از تعاونی‌ها و صندوق‌ها، اتاق‌های اصناف، اتحادیه‌ها و...)، اجتماعی (سازمان‌های مدنی، گروه‌های مختلف اجتماعی، تأمین اجتماعی، سازمان ملی جوانان، شهرداری‌ها)، فرهنگی (رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن‌ها و کمیته‌های علمی)، قضائی (وزارت دادگستری، قوه قضائیه، نهادهای اجتماعی) و از این قبیل هستیم.

برقراری امنیت فردی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها و دغدغه‌های همه کشورهای جهان است. اگر بگوئیم، کشورها و دولت‌ها براساس میزان امنیتی که برای شهروندان خود می‌آفرینند، مورد ارزیابی ملی و جهانی قرار می‌گیرند، چندان اشتباه نگفته‌ایم. بر همین اساس بیشترین بودجه‌ها، متخصص‌ترین نخبه‌ها و بیشترین زمان دولت‌ها صرف تأمین امنیت برای افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود؛ زیرا اگر امنیت از جامعه رخت بربندد؛ اقتصاد، سیاست و اجتماعی وجود نخواهد داشت. اگر بپذیریم، امنیت پدیده‌ای جمعی است، از این رو تعیین سهم هریک از گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در برقراری امنیت ضروری است. از این بابت تأمین و حفظ امنیت با رویکرد بین سازمانی، موضوع جدید و نوینی است. همچنین این که شعار دهه ۱۳۹۰ نیروی انتظامی «ارتباطات بین سازمانی برای برقراری امنیت» و این پرسش که «سهم من از امنیت و آرامش چیست؟» بوده است.

به هر ترتیب سازمان‌های رسمی و غیررسمی مرتبط با امنیت، همانند تمامی سازمان‌ها برای بقا

در محیط، اغلب روابط مداومی را با سایر سازمان‌ها برقرار می‌کنند و این به‌عنوان شیوه‌ای در نظر گرفته می‌شود که از راه آن سازمان‌ها می‌توانند هم بر محیط و هم بر چالش‌های فراوانی که برای آنها و در کل آن برای جوامع به‌وجود می‌آید، غلبه کنند.

پر واضح است که مؤلفه‌های گوناگونی در تأمین و یا حتی تهدید امنیت عمومی در شهر بندرعباس از بروز و گسترش انواع جرایم، انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی (مانند: قاچاق مواد مخدر و سیگار، مشروبات الکلی، تجهیزات ماهواره‌ای، سوخت، رفاه اجتماعی و اقتصادی پائین و...) گرفته تا کاهش اعتماد عمومی، گسست انسجام اجتماعی و... وجود دارد. گزارش‌ها حاکی از وجود چنین وضعیتی در شهر بندرعباس است. با توجه به اهمیت مقوله ارتباطات بین‌سازمانی و نیز وضعیت امنیتی بندرعباس، مسئله اساسی این مقاله، همان‌گونه که در عنوان نیز آمده، بررسی نقش ارتباطات بین‌سازمانی نیروی انتظامی در تأمین و ارتقاء امنیت عمومی با تأکید بر شناسایی نقش «هریک از سازمان‌های مردم‌نهاد»، «روش و ابعاد ارتباط پلیس با سایر سازمان‌ها و نهادهای غیررسمی» در ارتقاء امنیت عمومی شهر بندرعباس است. به این معنا که یکی از راهکارهای افزایش امنیت عمومی در شهر بندرعباس با توجه به وجود برخی تهدیدهای امنیتی، ایجاد ارتباطات بین‌سازمانی نیروی انتظامی با سایر سازمان‌های رسمی و غیررسمی است. پرسش این است که چنین فرایندی چگونه و با چه سازوکارهایی صورت خواهد گرفت؟

پیشینه و مبانی نظری: اگرچه نهادها و سازمان‌ها، هزاران سال است که جزء جدایی‌ناپذیر واقعیت زندگی اجتماعی است، ولی ارتباطات بین‌سازمانی به‌سبب آن که سابقه‌ای به‌قدمت دو نسل دارند، موضوع تازه‌ای است و کمتر مورد بحث قرار گرفته است (صبوری، ۱۳۸۴: ۳۳ و هال، ۱۳۸۴: ۳۰۳). لوینگ و وایت^۱ (۱۹۶۱) نوعی از ارتباطات بین‌سازمانی را پیشنهاد کرده‌اند که طی آن سازمان‌های با قلمرو توافق عام با اشکالی مانند توانایی‌های یک‌جانبه، دوجانبه، با منابع تخصص‌یافته کمیاب مشتری، خدمات کارگری و دیگر منابع، می‌توانند با یکدیگر به برقراری ارتباطات بپردازند (لیتاک و هایتون^۲، ۱۹۶۲). «رید^۳» با تأکید بر روابط سازمان‌های مستقل با

1. Lvyng and White

2. Lytak and Hylton

3. Reed

افزودن چارچوب نظری لیوینگ و وایت و لیتاک و هالیتون بیان کرد که سه نوع اساسی الگوی رفتار در ارتباطات بین سازمانی وجود دارد: مستقل، وابسته و متخاصم (ویگانده، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۴). کراتز^۲ پیش تر (۱۹۹۸) در پژوهش‌هایش دریافته بود که روابط مستحکم یک سازمان با سایر سازمان‌ها اثرات و حوادث نامشخص و غیرقابل پیش‌بینی را کاهش داده، انطباق و سازگاری از راه افزایش تسهیم ارتباطات و اطلاعات را ارتقاء می‌بخشد. جونز و همکاران دریافتند که حوزه ارتباطات بین سازمانی در دهه ۱۹۹۰ شاهد افزایش میزان پژوهش‌های مربوط به مدیریت بحران در موضوع‌های عمومی و به‌ویژه در چالش‌های اجتماعی مانند ترافیک، حوادث و بلایای طبیعی، پیشگیری از جرم، امنیت و ارتقاء سرمایه اجتماعی بود (مانند دورفل^۳، ۲۰۰۸). این پژوهش‌ها اثرات راهبردهای مدیریتی را از راه ارتباطات بین سازمان‌ها برای حفظ یک تصویر مثبت مورد بررسی قرار داده‌اند (جونز^۴ و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۵۰-۷۲۲). یکی از پژوهش‌های مرتبط با ارتباطات بین سازمانی در کشورمان رساله دعایی (۱۳۷۲) است که در آن به ارائه الگوی ارتباطات بین سازمانی مؤثر در گروه ملی صنعتی فولاد ایران پرداخته است. انصاری امین (۱۳۸۲) مقاله‌ای را درخصوص مشارکت سازمان‌های غیردولتی در امور اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی به چاپ رسانیده است. شاکری (۱۳۸۱) کتابی را درباره ارتباط بین پلیس، مردم، سازمان‌ها و امنیت به رشته تحریر درآورده است. شریف‌زاده و سهیلی‌راد (۱۳۸۲) پژوهشی را برای شرکت برق منطقه‌ای فارس و شرکت‌های وابسته انجام دادند که در آن اثربخشی نظام تصمیم‌گیری با تأکید بر تأثیر ارتباطات بین سازمانی مورد بحث قرار گرفته است. یوسفی (۱۳۷۶) در رساله دکتری خود به طراحی و تبیین الگوی تحلیل ارتباطات سازمانی (در سازمان تربیت بدنی) پرداخته است. فرهنگ‌ی به‌تنهایی (۱۳۸۳) یا به اتفاق همکارانش چند پژوهش را در حوزه ارتباطات بین سازمانی انجام دادند، برای نمونه: نظریه‌های ارتباطات سازمانی. آقاجانی (۱۳۸۴) نیز به‌سبب رساله دکتری خود، چند کار را درخصوص پیدایش روابط بین سازمانی به چاپ رساند. مانند (۱۳۸۸) هماهنگی: درون‌سازمانی و برون‌سازمانی. سعیدی

-
1. Vygand
 2. Krats
 3. Dorfl
 4. Jones

(۱۳۸۴) به بررسی رابطه مشارکت‌های مردمی با سازمان‌های غیردولتی در بروز و گسترش برخی پدیده‌های اجتماعی پرداخته است. آذر و همکاران (۱۳۸۶) و نیز به همراه زارعی (۱۳۸۵) نیز سعی در طراحی الگویی مبتنی بر شبیه‌سازی برای بررسی و تحلیل ارتباطات بین سازمانی پرداخته‌اند. آقاجانی، کاملی و الوانی (۱۳۸۹) به نقش شبکه‌ها و رفیعی همراه با صباغ‌گل و ابراهیمی (۱۳۸۸) نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را در گسترش امنیت انسانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. در کنار این آثار، برخی منابع در قالب کتاب، مقالات همایش و گزارش‌های دولتی ترجمه یا تولید شده است. مانند کار با ارزش نیلد (۱۳۸۷) با عنوان نظارت شهروندان بر امنیت. پژوهش دیگر گسترش رویکرد ارتباطات بین سازمانی با تأکید بر مقابله با مفاسد مالی است. حسینی (۱۳۸۹) بر این باور است که مبارزه با مفاسد مالی به‌ویژه از نوع چندنهادی، یعنی حضور و دخالت تمامی نهادها و سازمان‌های درگیر (مانند پلیس، دستگاه قضا، وزارت امور اقتصادی، وزارت کشور و...) جامعه مدنی، یک ضرورت انکارناپذیر است. سرکشیکیان (۱۳۸۸) در بررسی طرح ارتقاء امنیت اجتماعی با تأکید بر ارتباطات بین سازمانی (نبود تفاهم سازمانی در طرح امنیت اجتماعی) به این نتیجه رسید که این طرح به‌سبب ناهماهنگی‌ها و همکاری‌های میان سازمان‌های مرتبط و سازمان‌های دخیل در امنیت، موفقیت چندانی به‌دست نیاورد. به باور وی، نبود یکپارچگی میان سازمان‌های دخیل در امر سیاست کیفی، وزارت کشور، ارشاد، قوه قضائیه و شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز غیبت سازمان‌های مدنی به نرسیدن پلیس به هدف‌های خویش می‌انجامد. آقاگل‌زاده (۱۳۸۹) در طرح پژوهشی با عنوان «تعامل پلیس با مدارس با تأکید بر افزایش آگاهی‌های دانش‌آموزان در زمینه پیشگیری از جرائم» به این نتیجه رسید که تعاملات (مستقیم و غیرمستقیم) پلیس با مدارس، عامل مهمی در افزایش آگاهی دانش‌آموزان و نیز پیشگیری از گرایش آنها به انواع جرایم است. جوانمرد (۱۳۸۹) نیز در اهمیت تعامل پلیس و دستگاه قضا در پیشگیری از جرم، به این نتیجه رسید که ارتباطات میان این دو سازمان رسمی در پیشگیری از برخی جرایم تأثیرگذار است. پژوهش دیگر درباره پیشگیری از جرم با تأکید بر ارتباطات بین سازمانی با رویکرد چندنهادی است که فرجیها (۱۳۸۸) بدان تأکید داشته است. به باور وی، رویکردهای نوین در سیاست‌گذاری کیفی و پلیسی، توجه به نقش و حضور سازمان‌های مختلف در پیشگیری است. این رویکرد با نواقص و

چالش‌هایی مانند «تعداد، تنوع و ماهیت سازمان‌های شرکت‌کننده» نیز رویه‌روست. طراحی الگوی تعامل و ارتباطات بین سازمان‌ها در مدیریت امداد و نجات‌جاده‌ای نگاشته‌اند اسد امرجی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهش دیگری است که طی آن به چالش‌ها و کاستی‌های تعاملات میان سازمان‌های درگیر در تصادف پرداخته است. «تأملی بر چالش‌های تولید دانش با تأکید بر ارتباطات علمی بین سازمانی و اهمیت آن در نیروی انتظامی» نیز مقاله‌ای است که هزارجریبی و محبوبی‌منش (۱۳۸۹) طی آن به نقش ارتباطات بین سازمانی دانشگاه علوم انتظامی در ایجاد و ارتقاء دانش پلیسی می‌پردازند.

در کنار پژوهش‌های یادشده پژوهش‌های دیگری در اهمیت و ضرورت همکاری‌ها و ارتباطات بین سازمانی انجام گرفته است؛ مانند: پیشگیری از جرم در بالایای طبیعی (السان، ۱۳۸۹) که در آن همکاری سازمان‌های رسمی و غیررسمی در پیشگیری از جرم ضروری در نظر گرفته شده و میزان همکاری سازمان‌ها با تأکید بر مدیریت مالی واحد، عاملی تعیین‌کننده دانسته شده است. مدنی قهقرایی (۱۳۸۸) نیز در خصوص همکاری‌های میان سازمان‌ها در خصوص تن‌فروشی به پژوهش پرداخته است. وی در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که در حال حاضر، هم‌به‌لحاظ ساختاری و هم‌به‌لحاظ عملکردی، ناهماهنگی و ناکارآمدی میان بسیاری از برنامه‌های مداخله در تن‌فروشی وجود دارد. در سطوح مختلف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی نیز کمترین هماهنگی لازم به چشم می‌خورد. برای نمونه درحالی‌که نیروی انتظامی به دستگیری تن‌فروشان می‌اندیشد، وزارت بهداشت به آموزش تن‌فروشان. جلالی‌فراهانی نیز درصدد نشان‌دادن اهمیت همکاری و تعامل‌های بین سازمانی در ایجاد امنیت سایبری و پیشگیری از جرایم سایبری است. تقی‌پور هم به‌دنبال بررسی نقش تعامل‌های بین سازمانی در ارتقاء امنیت در محیط زیست بوده است. بخش اعظمی از منابع مرتبط با تعامل و ارتباطات بین سازمانی پلیس با سایر نهادها و سازمان‌ها در کنترل، نظارت و پیشگیری از جرم، به همکاری‌های میان پلیس و رسانه‌ها اختصاص دارد.

ارتباطات بین سازمانی: ارتباطات بین سازمانی به این امر توجه دارد که چه سازمانی با سازمان دیگر ارتباط دارد؟ در چه مورد ارتباط دارد؟ (محتوای پیام)، از چه راهی؟ (یا از چه شیوه یا

مجرایی؟)، به چه میزان و در چه سطحی (فرد، دو نفر، گروه، سازمان) با یکدیگر ارتباط دارند؟ (دعایی، ۱۳۷۲؛ لیتل جان^۱، ۱۳۸۴: ۶۸۷ - ۶۹۲؛ مک کوایل^۲، ۱۳۸۲: ۲۶ - ۲۷؛ ویگانند^۳، ۱۹۷۴). ارتباطات بین سازمانی به دو گونه رسمی و غیررسمی دسته‌بندی می‌شوند. درحالی‌که ارتباط غیررسمی، نانوشته است و در تمام سطوح سازمان وجود دارد؛ ارتباطات بین سازمانی رسمی و در چارچوب اختیارات، تکالیف، سلسله‌مراتب سازماندهی و ساختار اداری بوده، مبتنی بر اساسنامه، آئین‌نامه‌ها و قوانین و مقررات سازمان‌هاست (یوسفی، ۱۳۷۶: ۶۴). ارتباطات بین سازمانی، فریندی (عمودی، افقی، مورب، بالا و پائین، رسمی یا غیررسمی) است که طی آن، سازمانی برای اخذ اطلاعات (شریف‌زاده و سهیلی‌راد، ۱۳۸۲)، انتقال پیام به دیگر سازمان‌ها و نیز هماهنگی و یکپارچه‌سازی و ایجاد زمینه مشترک برای فعالیت و درنهایت افزایش بهره‌وری از آن بهره می‌برد (رابینز^۴، ۱۳۸۵). «جرالد ام. گولدهابر» ارتباطات بین سازمانی را فرایند ایجاد و مبادله پیام‌ها در درون شبکه‌ای از روابط به‌هم‌پیوسته^۵ برای مقابله با ناامنی محیطی^۶ تعریف کرده است (ویندال و اولسون و سیگنایتزر^۷، ۱۳۷۶: ۱۴۸). ارتباطات بین سازمانی در این مقاله عبارت است از: «مجموعه‌ای از ارتباطات کتبی/شفاهی یا سنتی/مدرن و اتصال‌های رسمی و غیررسمی میان نیروی انتظامی با سایر سازمان‌های رسمی و غیررسمی دخیل و غیردخیل در امنیت منطقه است که هریک از سازمان‌ها با به عهده‌گیری نقش یا نقش‌هایی برای حل یک مشکل (کاهش امنیت عمومی) تلاش می‌کنند». منظور از امنیت عمومی، فراهم‌بودن شرایطی است که در آن همه آحاد جامعه و گروه‌های مختلف، هیچ ترس، دلهره و نگرانی از جان و مال و ناموس نداشته باشند. برای نمونه هرکسی (فارغ از سن، جنس، طبقه، قومیت و...) که بخواهد در هر ساعت از شبانه‌روز به مکانی برود، نگرانی و دلهره نداشته باشد و بداند که به سلامت برخواهد گشت.

-
1. Little John
 2. Mkkvayl
 3. Vygand
 4. Robbins
 5. Interdependent Relationships
 6. Environmental Uncertainty
 7. Vyndal and Olson and Sygnaytzr

سازمان‌های رسمی و غیررسمی؛ در این جا منظور هم سازمان‌های دولتی و هم سازمان‌های غیردولتی (امنیتی و غیرامنیتی) است که در امنیت عمومی به شکل‌ها یا سطوح مختلف با نیروی انتظامی ارتباط و همکاری و مشارکت دارند. مهم‌ترین نقش‌هایی که سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان مجامعی برآمده از دل مردم، به‌صورت خودجوش و داوطلبانه در ایجاد امنیت ایفا می‌کنند، دو گونه اساسی است: نخست، زمینه‌ساز گسترش امنیت و دوم، به‌عهدگیری مأموریت‌ها و وظایفی که نتیجه آن به گسترش امنیت در جامعه می‌انجامد. «گیدنز» بر این باور است که دولت و جامعه مدنی باید در مشارکت با یکدیگر عمل کنند و هریک کار دیگری را تسهیل کرده، ولی در عین حال عامل کنترل نسبت به دیگری باشند. دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌سالار میان خود و میان سازمان‌های مردم‌نهاد هیچ مرزی نباید بکشند. وی به سازمان‌های دولتی، به‌عنوان نمایندگان امنیتی دولت‌ها، توصیه می‌کند که باید چنان عمل کنند که بیشتر مواقع در عرصه مدنی و در ارتباط با سازمان‌های مردم‌نهاد باشند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۹). مهم‌ترین نهادهای مورد پژوهش قرار گرفته در این مقاله عبارت است از: نهادهای سیاسی شهر (فرمانداری و بخشداری)، نهادهای امنیتی شهر (سپاه، بسیج، ارتش و...)، نهادهای مدنی یا سمن‌ها (سازمان‌ها، انجمن‌ها یا جمعیت‌هایی مانند انجمن حمایت از زنان، کودکان، محیط زیست، حمایت از زندانیان، رسانه‌ها و...)، نهادهای فرهنگی شهر (مانند مساجد و دفتر نمایندگی امام جمعه و...)، نهادهای خدماتی شهر (مانند شهرداری و شوراهای اسلامی)، نهادهای اقتصادی شهر (مانند اصناف، اتحادیه‌ها و...).

برای ارتباطات بین سازمانی دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه شده و منظور از آن در اینجا، آن است که سازمان‌ها و نهادهای مدنی دخیل در مشارکت با نیروی انتظامی برای تأمین و ارتقاء امنیت در جامعه به چه شکالی می‌توانند با یکدیگر به ارتباط و مشارکت بپردازند. برای نمونه می‌توان فرض کرد که در یک همکاری و مشارکت، سازمان پلیس ایران می‌تواند نقش اصلی و محوری و سازمان‌ها و نهادهای مدنی نقش مکمل داشته باشند. برای مثال نقش مدیریتی، نقش اطلاع‌رسانی، نقش حمایت تبلیغی و آموزشی و نقش عملیاتی از جمله این نقش‌ها هستند (آقاجانی، ۱۳۸۸؛ ساسمن، ۱۳۸۷: ۱۹۱). آشکار است که سازمان‌های مدنی کمتر می‌توانند در نقش عملیاتی ظاهر شوند. پژوهش‌ها در ایران درباره همکاری و مشارکت سازمان‌ها و نهادهای مدنی در فرایند پیشگیری از جرم و تأمین امنیت نشان از سه حوزه متنوع، یعنی آموزش، حمایت و نظارت دارد

(رستمی، ۱۳۸۷: ۶۲ - ۸۱)، که از میان سه نقش یادشده، نقش حمایتی سازمان‌ها و نهادها از همه قوی‌تر است؛ زیرا به نظر می‌رسد در ایران قوانین و چارچوب‌های تدوین‌شده اندکی درباره مشارکت و ارتباط، میان سازمان‌های رسمی (مانند پلیس) و سازمان‌ها و نهادهای مردمی درباره پیشگیری از جرم یا تأمین امنیت (به‌ویژه آموزش و نظارت) وجود دارد. ارتباطات و مشارکت‌ها با رویکرد نظارتی از راه سازمان‌ها و نهادهای مدنی، تنها در زمینه فعالیت آسیب‌دیدگان اجتماعی (به‌ویژه معتادان مواد مخدر) است. بنابراین، نوع‌شناسی سازمان‌ها برای ارتباط و مشارکت با یکدیگر، با توجه به متغیرهایی که در زیر آمده، متنوع است. بر همین اساس، انواع گوناگونی از ارتباط و مشارکت خواهیم داشت: ارتباط و مشارکت با توجه به هدف‌هایی که سازمان نیروی انتظامی و سازمان‌ها و نهادهای مدنی به دنبال آن هستند، ساختارها و تشکیلات سازمان و نهادهای مدنی همکار پلیس، مأموریت‌ها و وظایف سازمان نیروی انتظامی با مأموریت‌هایی که آن سازمان‌ها و نهادها می‌توانند آن را انجام دهند یا برای آن به‌وجود آمده‌اند، حیطه عمل و اختیار سازمان نیروی انتظامی و سازمان‌ها و نهادهای مشارکت‌کننده با نیروی انتظامی، میزان تمرکز یافتگی و پراکندگی، سبک ارتباطی (دو سویه متقابل، همکاری مشترک، خطی یا یک‌طرفه از نوع دستوردهی و دستورگیری، از نوع گزارش‌دهی، از نوع اطلاع‌رسانی، الگوی ارتباطی خنثی و...) که نیروی انتظامی قرار است به هنگام مشارکت با سازمان‌ها و نهادها بکار گیرد، شیوه‌های ارتباطی میان نیروی انتظامی با سازمان‌ها و نهادهای مدنی، حوزه جغرافیایی و گستره و... (ساسمن^۱، ۱۳۸۸: ۸۲؛ هاردی، نلسون و لورنس^۲، ۱۹۹۸ و اوسبورن و بوخون^۳، ۱۹۹۰).

طبقه‌بندی‌های دیگری نیز وجود دارد که به سبب طولانی شدن متن از آنها خودداری می‌شود^۴.

1. Sasmon

2. Hardy , Nelson and Lawrence

3. Osborne and bukun

۴. در این باره رجوع کنید به: دسته‌بندی پنج‌گانه لیتل جان (۱۳۸۵: ۶۹۰)؛ دسته‌بندی سه‌گانه هال (۱۳۷۶: ۳۷۳)؛ دسته‌بندی دوگانه کلاسیک و مدرن (علیزاده‌اقدم، ۱۳۸۰؛ کلهر، ۲۰۰۴)، دسته‌بندی چهارگانه گرونیک و هانت حیطه قادرکننده، حیطه کارکردی، حیطه هنجاری و حیطه پراکنده (علیزاده‌اقدم، ۱۳۸۰: ۳۴۹)؛ دسته‌بندی دوگانه «ارتباطات بین سازمانی با پیوند زیاد» و «ارتباطات بین سازمانی با پیوند ضعیف» (زارعی و زارعی، ۱۳۸۲) و انواع دیگر مانند از نظر شکل یا براساس وظیفه یا براساس جغرافیا و... (ابویی، اسدی و غریبی، ۱۳۸۶: ۱۵۹ و آقاجانی، ۱۳۸۸).

باتوجه به دسته‌بندی‌های یادشده، رویکردهای گوناگونی در حوزه ارتباطات بین سازمانی ازسوی نظریه‌پردازان ارتباطات، جامعه‌شناسی، مدیریت و جرم‌شناسی ارائه شده است. برخی از مهم‌ترین آنها به اختصار بیان می‌شود.

رویکرد مشارکتی: رویکرد مشارکتی در تأمین امنیت که خود در قلب مفهوم امنیت محلی قرار دارد از این نکته سرچشمه می‌گیرد که نهادها و سازمان‌های رسمی مانند: آموزش و پرورش، اشتغال، مسکن، خدمات رفاهی و بهداشتی، پلیس، صنوف مرتبط با کسب‌وکار و تجارت، همه در زنجیره‌ای وسیع از ارتباطات برای تأمین امنیت و ارتقاء آن فعالیت می‌کنند. به تعبیر دیگر این رویکرد که تفکری مدیریتی، جرم‌شناسی و اجتماعی است (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۶)، معتقد به شبکه‌بندی متخصصان، مشارکت، همفکری و درگیرساختن نهادها و سازمان‌ها در فرایند حمایت، تصمیم‌گیری و اجرا برای تأمین امنیت است. مهم‌ترین نقش‌هایی که سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان مجامعی برآمده از دل مردم به‌صورت خودجوش و داوطلبانه در برآوردن امنیت ایفا می‌کنند، دو گونه اساسی است: نخست، زمینه‌ساز گسترش امنیت و دوم، به‌عهده‌گیری مأموریت‌ها و وظایفی که نتیجه آن به گسترش امنیت در جامعه می‌انجامد (رفیعی و صباغ‌گل و ابراهیمی، ۱۳۸۸؛ محسنی تبریزی، ۱۳۷۵). سفیری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای باعنوان «نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در تأمین امنیت اجتماعی (با تأکید بر شهر تهران)» چهار شاخص امنیتی را به‌عنوان ویژگی اساسی محله یا فضای محلی با تأکید بر مشارکت نام برده، که عبارت است از: الف) فعالیت‌ها و بهره‌وری (منظور آن است که مردم بتوانند به‌راحتی در محله یا فضای شهری وارد شوند و در آن فعالیت کنند)، ب) قابلیت دسترسی و ارتباط (یعنی در محله یا منطقه خود به انواع قابلیت‌های شهری مانند حمل‌ونقل، پارک‌ها، سینماها، فروشگاه‌ها، مراکز آموزشی و مذهبی و... دسترسی داشته باشند)، ج) راحت‌بودن و احساس امنیت و آرامش کردن (بتوانند نه فقط به‌راحتی و آرامش در محله گشت‌وگذار کنند، که به‌لحاظ ذهنی، دغدغه مانند حمله ناگهانی را نداشته باشند) و د) داشتن روابط اجتماعی (منظور آن است که بتوانند به‌راحتی در محله با همسایه‌ها، خانواده، خویشان و دوستان ارتباط برقرار کنند).

تعامل رسانه‌های گروهی و امنیت: این بخش از نظریه‌ها، رسانه را به‌عنوان رکن چهارم جامعه

و نیز به‌عنوان نهادی مدنی که در تأمین و ارتقاء امنیت با سایر سازمان‌ها مشارکت داشته، در نظر می‌گیرد. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند به‌راحتی نه فقط بر امنیت روانی و ذهنی، که گونه‌های مختلف امنیت مانند امنیت فردی و عمومی، امنیت ملی و فراملی، تأثیرگذارده، با تلقین احساس ناامنی خاطرها را آشفته کنند. بر همین اساس کارکردهای مرتبط با امنیت با تأکید بر رسانه‌ها را، می‌توان به دو گونه کارکردهای امنیتی (مانند نظارت، حمایت، اطلاع‌رسانی، تعدیل خواسته‌ها و مطالبات مردم، تصویرسازی مثبت، مصالحه، رشد فرهنگ عمومی، وحدت‌بخشی) و ضد امنیتی (مانند بحران‌سازی، تصویرسازی منفی، تشویش افکار عمومی، بسط فرهنگ غیراستدلالی، استفاده ابزاری از مردم، تهییج همیشگی افکار عمومی، تحریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، بهره‌برداری سیاسی از ارزش‌های ملی و مذهبی) دسته‌بندی کرد (افتخاری، ۱۳۸۰). در همین رابطه «آنتونی گیدنز»^۱ و «دنيس مک کوايل»^۲ یادآور شده‌اند که رسانه‌هایی مانند مطبوعات نه تنها نقش مهمی در تولید، بازتولید و اشاعه انواع اطلاعات در جامعه دارند، بلکه آنها به‌مثابه یکی از شیوه‌های نظارتی، اطلاعاتی و ارتباطی جوامع نوین (در کنار شیوه‌های میان‌شخصی) هستند (راجرز و شومیکر^۳، ۱۳۶۹: ۶۹ و ویستر^۴، ۱۳۸۰: ۱۱۱ - ۱۵۵). پلیس به‌عنوان یکی از متولیان امنیت جامعه می‌تواند از راه برقراری ارتباط با اصحاب رسانه، در ارتقاء امنیت عمومی نقش مهمی را ایفا کند.

رویکرد چندنهادی: این رویکرد که به نقش یا سهم همه سازمان‌های رسمی و غیررسمی در مدیریت، کنترل و پیشگیری از جرم و نیز ارتقاء نظم و امنیت فردی - اجتماعی می‌پردازد، رویکرد جدیدی است که امروزه جایگاه ویژه‌ای یافته است. این رویکرد به‌ویژه نقش نهادهای پیشینی و مقدم بر دستگاه عدالت کیفری و پلیس، یعنی سازمان‌های مردم‌نهاد یا همان «ان‌جی‌او»ها را در مقابله، پیشگیری و برقراری نظم و امنیت تعیین‌کننده می‌داند و برای آن سازمان‌ها نقشی برجسته‌تر قایل است (هاسک^۵،

-
1. Anthony Giddens
 2. Dennis Mac Quayl
 3. Rogers and Shoemaker
 4. Webster
 5. Husak

(۲۰۰۴). رویکرد چندنهادی به معنی استفاده از تمامی توانایی و توانمندی‌های سازمان‌های مدنی در راستای برقراری و ارتقاء امنیت با تأکید بر تعاملات بین سازمانی با پلیس است.

رویکرد سیستمی: در این تعریف امنیت و سازمان‌های مشارکت‌کننده در امنیت، سازمان‌هایی هستند که هریک از آنها با کارکردهای متفاوت، اما در راستای هم در بطن ساختار کلی تری به نام امنیت با تعداد زیادی از سازمان‌های رسمی و غیررسمی قرار دارند (گنزاله و شوفیلد و هرایز^۱، ۱۳۸۷: ۵۳). اهمیت بنیادی سازمان‌های یادشده به صرف وجود آن محدود نمی‌شود، بلکه نقش یا تأثیر آنها در به وجود آوردن ساختار و کلیت سیستم در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه امنیت چیزی بیشتر از تراکم صرف و جمع جبری سازمان‌های عضو و زیر مجموعه‌های آنهاست، که به برقراری و ارتقاء آن می‌اندیشند و تلاش می‌کنند. براساس نظریه نظام‌های اجتماعی پارسونز، همه اجزای یک سیستم در وابستگی متقابل با یکدیگراند و با چنان روابطی به هم وابسته‌اند که اگر یک جزء تغییر کند یا دچار مشکل شود، بقیه اجزا نیز تغییر می‌کنند و در نتیجه کل مجموعه تغییر می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

رویکرد شبکه‌ای^۲ و امنیت: رویکرد شبکه‌ای (به‌عنوان نظریه‌ای میان‌رشته‌ای) بخشی از نظریه‌های سطح کلان (و نیز نظریه‌های خرد و میانه) ارتباطات بین سازمانی و چندنهادی است که در کنار نظریه‌های دیگری مانند «نظریه تحولی»، «سوراخ ساختاری»، «نظریه همکاری یا پیوند»، «نظریه کالای عمومی»، «نظریه همکاری - رقابت»، «نظریه سهام‌داران» و «نظریه سیستمی» قرار می‌گیرد. برونیک^۳ و دیگران (۱۹۹۸): مانج^۴ و دیگران (۱۹۹۸)، بارینگر و هاریسون^۵ (۲۰۰۰)، دفت^۶ (۱۳۷۷)، دورفل^۷ (۲۰۰۸) دورفل، لی، چوپینگ و تیلور^۸ (۲۰۰۵)

1. Gnzalh and Schofield and Hrayz

2. Network Theory

3. Brvnyk

4. Manj

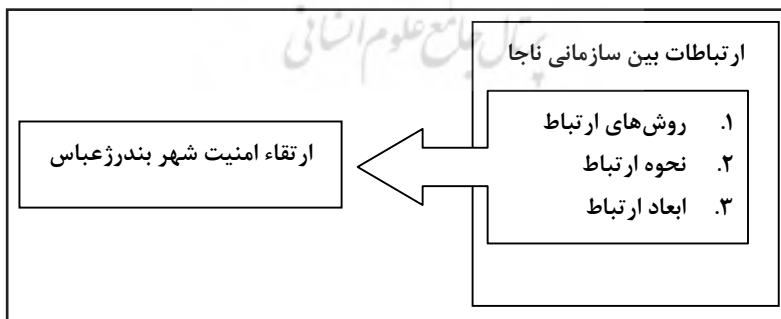
5. Baringer and Harrison

6. Daft

7. Dorfl

8. Dvrfl&Lee&Cheung&Taylor

و الوانی و کاملی (۱۳۸۹)، از جمله اندیشمندان حوزه علوم ارتباطی و مدیریتی‌اند که به مطالعه ارتباطات بین سازمانی با تأکید بر کاربری نظریه شبکه در پدیده‌های اجتماعی، مانند نظم و امنیت، آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. در رویکرد شبکه‌ای، هر سازمان یا نهاد مدنی مشارکت‌کننده در امنیت، بخش ساده‌ای از یک شبکه به‌هم پیوسته است که، نه فقط ارتباط مستقیم بین دو سازمان اصلی امنیتی را فراهم می‌سازد، بلکه به‌عنوان رابطی میان زنجیره پیچیده و درهمی از سازمان‌ها و نهادها، ارتباط بسیاری از سازمان‌های مهم و غیرمهم، مستقیم و غیرمستقیم، رسمی و غیررسمی در امنیت را نیز ممکن می‌کند. شبکه‌ها ممکن است مبتنی بر رقابت، همکاری و مشارکت، گفت‌وگو، سلسله‌مراتب و... شکل بگیرند. رویکرد شبکه با تأکید بر ارتباطات بین سازمانی یا چندنهادی بر این مهم اشاره دارد که هرگاه دو یا چند سازمان، در قالب یک بنیاد، نهاد و یا حتی در قالب قراردادها و اسناد حقوقی و قانونی، یک سازمان (یا شورا، ائتلاف، اتحادیه، سازمان فرابخشی و...) جدیدی را تشکیل دهند، به آن شبکه می‌گویند (باکر و فالکنر، ۲۰۰۲). در رویکرد شبکه‌ای به‌طور معمول درجه وابستگی، مشارکت و همکاری سازمان‌ها، به‌ویژه به‌صورت غیررسمی، بسیار زیاد است. ممکن است یک سازمان به‌عنوان عضو اصلی (برای مثال نیروی انتظامی) و تعداد زیادی از سازمان‌های دیگر حول محور کاری سازمان اصلی با هم همکاری داشته باشند و سازمان اصلی وابستگی‌های کاری بین سازمان‌های موجود در شبکه را سازماندهی و هماهنگ کند.



نمودار ۱. الگوی مفهومی پژوهش

روش

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایش استفاده شد. جامعه آماری در این پژوهش، همه متخصصان و کارشناسان حوزه‌های ارتباطات بین سازمانی (سازمان‌های غیررسمی) و نظم و امنیت هستند که قابلیت و صلاحیت اظهار نظر در این مورد را دارند. درواقع جامعه آماری این پژوهش، مدیران، کارشناسان، نخبگان و همه افرادی هستند که به نوعی در موضوع پژوهش صاحب نظراند. نمونه آماری انتخاب شده برای این پژوهش، (کارشناسان و خبرگان حوزه‌های مختلف (با تکیه بر خبرگان سازمان‌های غیررسمی هستند که با توجه به جامعه آماری کارشناسان که تعداد آنها محدود و مشخص است هیچ طرح نمونه‌گیری (محاسبه حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری احتمالی) در نظر نیست و از روش تمام‌شمار استفاده می‌شود. کارشناسان بر اساس بندهای زیر به گونه‌ای انتخاب شدند که نظرات آنها نتایج نهایی طرح را وزن‌تر و اجرایی‌تر کند.

۱. تجربه و تخصص علمی بالا؛ -۲ داشتن دید راهبردی درباره مسائل امنیتی؛ -۳ داشتن رتبه علمی در مراکز معتبر دانشگاهی و پژوهشی؛ -۴ داشتن جایگاه کارشناسی و مدیریتی در سازمان‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی؛ -۵ داشتن تمایل و انگیزه همکاری و مشارکت در فرایند دلفی. انتخاب تعداد نفرات برای اجرای روش دلفی، وابسته به میزان شناسایی افراد واجد شرایط، وقت و اعتبار پژوهش بوده است. نمونه آماری انتخاب شده برای این پژوهش شامل ۰۰۲ نفر از کارشناسان و خبرگان حوزه‌های مختلف با تکیه بر خبرگان سازمان‌های غیررسمی است. برای سنجش روایی پرسش‌نامه از اعتبار سازه استفاده شد، بدین صورت که پرسش‌نامه در اختیار ۱۰ نفر از کارشناسان و نخبگان حوزه مورد مطالعه و دفتر تحقیقات کاربردی و کارشناسان انتظامی و امنیتی فرماندهی انتظامی استان هرمزگان قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نقطه‌نظرات آنها درباره پرسش‌نامه، اصلاح اساسی صورت گرفت. سنجش پایایی پرسش‌نامه نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۲۹ به دست آمد.

یافته‌ها

نمونه‌های پژوهش از نظر جنسیت، ۷۳ درصد از تعداد نمونه را مردان و ۲۷ درصد را زنان تشکیل دادند. از نظر گروه سنی، ۱۹/۵ درصد از تعداد نمونه بین ۱۹-۲۹ سال، ۵۰ درصد بین ۳۰ تا ۳۹ سال، ۲۷ درصد بین ۴۰ تا ۴۹ سال، ۳ درصد بین ۵۰ تا ۵۹ سال و ۰/۵ نیز بالاتر از ۶۰ سال سن داشتند. از نظر تحصیل، ۲۷ درصد کاردانی، ۵۹/۵ درصد کارشناسی و ۱۳/۵ درصد از آنها دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. از نظر شغل، ۲۰ درصد پاسخگویان دارای شغل نظامی و ۸۰ درصد در سازمان‌های رسمی و غیررسمی مشغول بکار بودند.

جدول ۱. روش‌های ارتباط پلیس و سازمان‌های غیررسمی

گزینه	کاملاً مخالفم	مخالفم	متوسط	نظر موافقم	کاملاً موافقم	ن
روش غیررسمی	۵	۱۹	۲۷	۹۱	۵۸	۲۰۰
	۵	۶	۱۳	۹۲	۸۴	۲۰۰
	۳	۶	۱۱	۸۰	۱۰۰	۲۰۰
	۳	۱۲	۱۲	۷۰	۱۰۳	۲۰۰

بر پایه نتایج جدول (۱) از نظر کارشناسان در موضوع روش‌های ارتباط پلیس و سازمان‌های غیررسمی در برقراری امنیت عمومی می‌توان گفت که بیشتر کارشناسان موافق انواع روش‌های ارتباطی پلیس با سازمان‌ها به‌ویژه استفاده از تبلیغات محیطی (پوستر و تلویزیون) به‌منظور انتقال فرهنگ رفتاری و اخلاقی و مانور عملیاتی- انتظامی به‌منظور برخورد با هنجارشکنان اخلاقی هستند.

جدول ۲. ابعاد تعامل نیروی انتظامی با سازمان‌ها

گزینه	کاملاً مخالفم	کاملاً موافقم	نظر متوسط	مخالقم	کاملاً موافقم	ردیف
سطوح	۲	۱۳	۳۱	۹۷	۵۷	۲۰۰
	۲	۱۱	۲۷	۹۹	۶۰	۱۹۹
	۵	۱۲	۲۹	۱۰۸	۴۶	۲۰۰
	۴	۲۲	۴۲	۸۹	۴۳	۲۰۰
	۶	۳۲	۵۰	۷۶	۳۶	۲۰۰
	۳	۱۲	۳۵	۸۹	۶۱	۲۰۰

بر پایه نتایج جدول (۲) از نظر کارشناسان در موضوع بررسی سطوح ارتباط نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی در امنیت عمومی می‌توان گفت که بیشتر کارشناسان، ارتباط نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی در برقراری امنیت عمومی را فقط در بعد اجتماعی؛ بعد فرهنگی و اطلاع‌رسانی به مردم و بعد انتظامی و برخورد با خاطیان، به عنوان مهم‌ترین سطوح ارتباط نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی در امنیت عمومی ساحلی شناسایی کردند.

جدول ۳. اولویت ارتباط نیروی انتظامی با نهادهای جامعه در برقراری امنیت عمومی

گزینه	کاملاً مخالفم	کاملاً موافقم	نظر متوسط	مخالقم	کاملاً موافقم	ردیف
اولویت‌ها	۷	۹	۲۷	۹۵	۶۲	۲۰۰
	۱۳	۳۲	۲۷	۷۵	۵۳	۲۰۰
	۴	۱۱	۲۳	۱۰۲	۶۰	۲۰۰
	۹	۱۱	۲۷	۹۰	۶۳	۲۰۰
	۷	۶	۲۸	۹۴	۶۵	۲۰۰
	۵	۹	۳۴	۹۲	۶۰	۲۰۰

بر پایه نتایج جدول (۳) از نظر کارشناسان در موضوع اولویت ارتباط نیروی انتظامی با نهادهای جامعه در برقراری امنیت عمومی، می‌توان گفت که بیشتر کارشناسان ارتباط نیروی انتظامی با

نهادهای اجتماعی شهر (مانند رسانه‌ها و سمن‌ها)، ارتباط با نهادهای سیاسی شهر و ارتباط با نهادهای خدماتی شهر را در اولویت می‌دانند. اگرچه کارشناسان به همه نهادها توجه داشته‌اند.

جدول ۴. نقش روش‌های ارتباط پلیس و سازمان‌های غیررسمی در تأمین و ارتقاء امنیت

تأمین و ارتقاء امنیت	روش			جمع
	مخالفم	در حد متوسط	موافقم	
کاملاً مخالفم	۳	۱	۴	۸
مخالفم	۰	۴	۶	۱۰
نظر متوسط	۱	۹	۱۵	۲۵
موافقم	۱	۲۳	۶۹	۹۳
کاملاً موافقم	۲	۴	۵۸	۵۴
جمع	۷	۴۱	۱۵۲	۲۰۰

کای اسکور: ۴۴/۲ سطح معناداری: ۰/۰۱

نتایج آزمون کای اسکور جدول (۴) نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($p < 0/01$) معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که هرچه روش‌های ارتباط پلیس و سازمان‌های غیررسمی افزایش یابد، به همان میزان امنیت عمومی نیز ارتقاء می‌یابد.

جدول ۵. ارتباط دوسویه در ایجاد امنیت ساحلی مبتنی بر حفظ استقلال

تأمین و ارتقاء امنیت	ارتباط دوسویه					جمع
	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظر متوسط	موافقم	کاملاً موافقم	
کاملاً مخالفم	۱	۰	۱	۴	۲	۸
مخالفم	۰	۰	۱	۳	۶	۱۰
نظر متوسط	۱	۱	۵	۱۴	۴	۲۵
موافقم	۱	۹	۹	۵۴	۲۰	۹۳
کاملاً موافقم	۱	۰	۲	۲۹	۳۲	۶۴
جمع	۴	۱۰	۱۸	۱۰۴	۶۴	۲۰۰

کای اسکور: ۳۶/۲ سطح معناداری: ۰/۰۱

نتایج آزمون کای اسکور جدول (۵) نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود

دارد و این رابطه در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($p < 0/01$) معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که هرچه ارتباط دوسویه در ایجاد امنیت ساحلی مبتنی بر حفظ استقلال طرفین افزایش یابد، به‌همان میزان امنیت مناطق ساحلی نیز ارتقا می‌یابد.

جدول ۶. اولویت ارتباط نیروی انتظامی با نهادهای جامعه در برقراری امنیت عمومی

اولویت	گزینه	کاملاً مخالفم	مخافم	نظر متوسط	موافقم	کاملاً موافقم	ن
اولویت‌ها	ارتباط با نهادهای سیاسی شهر (مانند فرمانداری و بخشداری)	۷	۹	۲۷	۹۵	۶۲	۲۰۰
	ارتباط با نهادهای امنیتی شهر (مانند سپاه و ارتش)	۱۳	۳۲	۲۷	۷۵	۵۳	۲۰۰
	ارتباط با نهادهای اجتماعی شهر (مانند رسانه‌ها و سمن‌ها)	۴	۱۱	۲۳	۱۰۲	۶۰	۲۰۰
	ارتباط با نهادهای فرهنگی شهر (مانند مساجد و دفتر نمایندگی امام جمعه و...)	۹	۱۱	۲۷	۹۰	۶۳	۲۰۰
	ارتباط با نهادهای خدماتی شهر (مانند شهرداری و شوراهای اسلامی)	۷	۶	۲۸	۹۴	۶۵	۲۰۰
	ارتباط با نهادهای اقتصادی شهر (مانند اصناف، اتحادیه‌ها و...)	۵	۹	۳۴	۹۲	۶۰	۲۰۰

بر پایه نتایج جدول (۶) از نظر کارشناسان، در موضوع اولویت ارتباط نیروی انتظامی با نهادهای جامعه در برقراری امنیت عمومی می‌توان گفت که بیشتر کارشناسان، ارتباط با نهادهای اجتماعی شهر، ارتباط با نهادهای سیاسی شهر و ارتباط با نهادهای خدماتی شهر را در اولویت می‌دانند. اگرچه کارشناسان به همه نهادها توجه داشته‌اند.

جدول ۷. آزمون فریدمن اولویت‌بندی ارتباط نیروی انتظامی با نهادهای جامعه در برقراری امنیت عمومی

اولویت‌ها	مؤلفه‌ها
۴,۱۶	ارتباط با نهادهای سیاسی شهر (مانند فرمانداری و بخشداری)
۳,۵۰	ارتباط با نهادهای امنیتی شهر (مانند سپاه و ارتش)
۴,۱۵	ارتباط با نهادهای اجتماعی شهر (مانند رسانه‌ها و سمن‌ها)
۴,۰۷	ارتباط با نهادهای فرهنگی شهر (مانند مساجد و دفتر نمایندگی امام جمعه و...)
۴,۱۸	ارتباط با نهادهای خدماتی شهر (مانند شهرداری و شوراهای اسلامی)
۴,۰۴	ارتباط با نهادهای اقتصادی شهر (مانند اصناف، اتحادیه‌ها و...)

بر پایه نتایج آزمون فریدمن که معنادار است، از نظر پاسخگویان، اولویت‌های سه‌گانه اول ارتباطی نیروی انتظامی با هریک از سازمان‌های رسمی و غیررسمی برای تأمین امنیت عمومی عبارت‌اند از:

- اولویت اول: ارتباط نیروی انتظامی با نهادهای خدماتی شهر (مانند شهرداری و شوراهای اسلامی).
- اولویت دوم: ارتباط نیروی انتظامی با نهادهای سیاسی شهر (مانند فرمانداری و بخشداری).
- اولویت سوم: ارتباط نیروی انتظامی با نهادهای اجتماعی شهر (مانند رسانه‌ها و سمن‌ها).

جدول ۸. آزمون فریدمن اولویت‌بندی سطوح ارتباطی نیروی انتظامی با سازمان‌های

غیررسمی در امنیت عمومی

اولویت‌ها	مؤلفه‌ها
۳,۷۳	فقط در بعد انتظامی و برخورد با خاطیان
۳,۸۵	فقط در بعد فرهنگی و اطلاع‌رسانی به مردم
۳,۵۵	فقط در بعد اجتماعی
۳,۳۱	فقط در بعد تبادل اطلاعات
۲,۸۵	فقط در بعد ارتباطات اداری
۳,۷۱	در همه ابعاد یادشده

کای اسکوتر: ۷۱/۹۸۴۱ درجه آزادی: ۵ سطح معناداری: ۰/۰۰۰

بر پایه نتایج آزمون فریدمن جدول (۸) که معنادار است، از نظر پاسخگویان، اولویت‌های سه‌گانه اول ابعاد ارتباطی نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی در امنیت ساحلی عبارت‌اند از:

- اولویت اول: ارتباط نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی فقط در بعد اجتماعی.
- اولویت دوم: ارتباط نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی فقط در بعد انتظامی و برخورد با خاطیان.
- اولویت سوم: ارتباط نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی در همه ابعاد یادشده.

جدول ۹. تحلیل چندگانه رگرسیون درباره سهم هریک از سازمان‌های غیرامنیتی در ایجاد امنیت عمومی

مدل	همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد
۱	۰/۳۱۰ (a)	۰/۰۹۶	۰/۰۷۳	۰/۹۶۷

جدول ۱۰. تحلیل واریانس

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون اف	سطح معناداری
۱	۱۹/۳۴۰	۵	۳/۸۶۸	۴/۱۳۳	(a)۰/۰۰۱
	۱۸۱/۵۳۵	۱۹۴	/۹۳۶		
جمع	۲۰۰/۸۷۵	۱۹۹			

جدول ۱۱. ضریب تحلیل مسیر (میزان تأثیر گذاری)

مدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	آزمون تی	سطح معناداری ضریب پیرسون
	ضریب پیرسون	خطای استاندارد	ضریب بتا		
۱	۳/۰۹۹	۰/۲۹۲		۱۰/۶۱۰	۰/۰۰۰
	۰/۱۸۱	۰/۰۸۸	۰/۱۹۵	۲/۰۵۲	۰/۰۴۱
	۰/۲۳۱	۰/۰۹۵	۰/۲۴۵	۲/۴۲۴	۰/۰۱۶
	۰/۱۷۲	۰/۰۸۷	۰/۱۸۰	۱/۸۲۵	۰/۰۵۰
	۰/۱۷۹	۰/۰۶۶	۰/۱۹۹	۲/۰۹۵	۰/۰۳۷
	۰/۱۱۷	۰/۰۸۱	۰/۱۱۹	۱/۲۱۲	۰/۰۴۵

نتایج رگرسیون و ضرایب استاندارد بتا (β) در جدول ۱۱ نشان می‌دهد که از بین سازمان‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، بسیج و شوراها، اسلامی شهر، سهم بیشتری در هدایت امنیت عمومی به همراه تعامل با نیروی انتظامی دارند و ضرایب بتای آنها بیشتر از سایر سازمان‌ها است. با این وجود مجموع سازمان‌های مورد نظر در این پژوهش رابطه معناداری با متغیر وابسته یعنی ارتقاء امنیت عمومی در شهر بندرعباس دارند. مقدار همبستگی کل میان متغیرهای مستقل و وابسته « $r=۰/۳۱$ » است و نتایج جدول آنوا نشان می‌دهد که آزمون اف در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنادار است ($p<۰/۰۱$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کارشناسان معتقداند مردم به‌طورکلی موافق رعایت الگوی پوشش حجاب و عفاف هستند؛ خانواده‌های شهر بندرعباس با آرامش و امنیت در مناطق شهر تفریح

نمی‌کنند؛ به باور کارشناسان، تفریح مردمی که به مناطق عمومی شهر می‌روند از سوی اوباش به‌مخاطره می‌افتد؛ خانواده‌ها نگران‌اند که جوانان آنها در دام افراد سودجو و کج‌رو و باندهای قاچاق مواد مخدر گرفتار شوند؛ به‌طورکلی ۶۴ درصد از کارشناسان مورد پرسش قرارگرفته، موافق حضور سمن‌ها در امنیت عمومی شهر بندرعباس هستند. کارشناسان، استفاده از نظر مشورتی (با ۸۸ درصد)، تبادل اطلاعات (۸۷ درصد)، استفاده از افراد مطلع و ذینفع (۹۴ درصد)، ایجاد ارتباطات سایبری (۶۹ درصد)، برگزاری همایش‌های کاربردی پلیس با مشارکت نهادهای غیررسمی (۷۴ درصد) و درنهایت برگزاری کلاس‌های آموزش تخصصی (با ۷۳ درصد) را دارای نقش مؤثری در ارتقاء امنیت ساحلی شهر بندرعباس می‌دانند. به باور «اوپلر» رویکرد مشارکتی در تأمین امنیت که خود در قلب مفهوم امنیت محلی قرار دارد از این نکته سرچشمه می‌گیرد که نهادها و سازمان‌های رسمی مانند: آموزش و پرورش، پلیس، صنوف مرتبط با کسب‌وکار، تجارت، خدمات رفاهی و بهداشتی، مسکن، همه در زنجیره‌ای وسیع از ارتباطات برای تأمین امنیت و ارتقاء آن فعالیت می‌کنند. مشارکت‌های پلیس با سازمان‌های رسمی و غیررسمی، ابتدا با تأکید بر سازمان‌های رسمی و دولتی و با تأکید بر قانون، پا به عرصه گذارد. به این معنا که در ابتدای مشارکت‌های اجتماعی در امنیت، چندان اهمیتی به سازمان‌ها و نهادهای مدنی در پیشبرد و ارتقای امنیت داده نمی‌شد، بلکه بعدها بود که به‌سبب شکست‌ها و پی‌بردن به ظرفیت‌های نهفته در سازمان‌های مردمی و نیز این که مشارکت با شیوه‌های رسمی، نامتوازن و نامتعادل است، توجه به سوی جامعه و نهادهای مدنی کشیده شد (ساج و وارد، ۱۳۸۰: ۲۵۴). گیدنز (۱۳۷۸) شواهد محکمی مبنی بر وجود رابطه میان نرخ مشارکت اعضای یک جامعه با میزان روابط و اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، تعهد، وفاق، نظم و رضایت‌مندی، ارائه می‌دهد (شارع‌پور، ۱۳۸۳؛ چلبی، ۱۳۷۵؛ امیرکافی، ۱۳۷۴: ۱۱۹ و گیدنز، ۱۳۷۸). مطالعات «فرنج» و همکاران نیز در این‌باره حاکی است که مشارکت در تصمیم‌گیری‌های جامعه به‌ویژه هنگامی که اعضای نظام اجتماعی احساس کنند، مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها مشروع و عمیق و نه یک فعالیت سطحی و پیش پا افتاده است؛ بیشتر و بیشتر می‌شود (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹: ۳۰۵).

یافته دیگر آن بود که نمونه‌ها بر این باور بودند که رسانه‌ها (به‌عنوان یک سازمان غیررسمی و غیرامنیتی) می‌توانند نقش مهمی در گسترش امنیت و ناامنی داشته باشند. «گیدنز» و «مک کوایل» رسانه‌ها را عاملی مهم برای تولید، بازتولید و نظر انواع اطلاعات در جامعه دانسته، بر این باورند که رسانه‌ها به‌مثابه یکی از شیوه‌های نظارتی، اطلاعاتی و ارتباطی جوامع نوین، نقشی تعیین‌کننده در جامعه دارند (وبستر، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۵۵). نتایج بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند به‌راحتی نه فقط امنیت روانی و ذهنی را، که گونه‌های مختلف امنیت مانند امنیت فردی و عمومی، امنیت ملی و فراملی را مؤثر ساخته، با تلقین احساس ناامنی، خاطر‌ها را آشفته کنند. بر همین اساس، کارکردهای مرتبط با امنیت، با تأکید بر رسانه‌ها را، می‌توان به دو گونه کارکردهای امنیتی (مانند نظارت، حمایت، اطلاع‌رسانی، تعدیل خواسته‌ها و مطالبات مردم، تصویرسازی مثبت، مصالحه، رشد فرهنگ عمومی و وحدت‌بخشی) و ضدامنیتی (مانند بحران‌سازی، تصویرسازی منفی، تشویش افکار عمومی، بسط فرهنگ غیراستدلالی، استفاده ابزاری از مردم، تهییج همیشگی افکار عمومی، تحریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، بهره‌برداری سیاسی از ارزش‌های ملی و مذهبی) دسته‌بندی کرد (افتخاری، ۱۳۸۰). برای نمونه یافته‌های فرجیها (۱۳۸۵) در این باره نشان می‌دهد که رسانه‌ها از یک‌سو توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی مسئولانه و ترویج الگوهای زندگی سالم، می‌توانند در کاهش وقوع جرم و تأمین امنیت و احساس امنیت اثرگذار باشند.

«رایت»^۱ بر این باور بود که تا حد وسیعی از نگرش مردم به امنیت، نظم و بروز جرایم از خلال مطالعه مطالب روزنامه‌ها و چگونگی به نمایش درآمدن آن در مطبوعات و تلویزیون است (میلر و هس، ۱۳۸۳: ۶۰۳ و ۶۱۴)، تا جایی که یافته‌های «شرزن»^۲ و «فرجیها» نشان می‌دهد که اخبار و رویدادهای جنایی بخش عمده‌ای از محتوای تمامی رسانه‌های گروهی را به خود اختصاص داده است. به باور برخی از علمای ارتباطات، رسانه‌ها یکی از حلقه‌های واسط ایجاد ارتباط میان

1. write

2. Sherzen

سازمان‌ها، نهادهای مدنی و شهروندان با پلیس است (ویندال و سیگنایترز و اولسون، ۱۳۷۶: ۲۶۱) و می‌تواند در مواقع مختلف به پلیس در ایجاد ارتباط با سازمان‌های دیگر و مردم کمک کند.

یکی از یافته‌های مهم این پژوهش آن بود که سازمان‌های غیررسمی از اقبال بیشتری نسبت به سازمان‌های رسمی در نزد نمونه‌های پژوهش در حمایت از برقراری نظم عمومی برخوردار بودند، زیرا نمونه‌ها تأکید بیشتری برای ارتباطات با هدف حمایت از برقراری نظم عمومی با سازمان‌های غیررسمی نشان دادند. یافته‌های مختلفی در تأیید این یافته وجود دارد. برای نمونه یافته‌های رستمی نیز نشان داده بود که، از میان سه نقش سازمان‌ها و نهادهای مدنی، نقش حمایتی سازمان‌ها و نهادها درباره امور مختلف از همه قوی‌تر است (رستمی، ۱۳۸۷: ۶۲ - ۸۱). یافته‌های پژوهش رانیان^۱ (۲۰۰۶) درباره فاجعه طوفان سال ۲۰۰۵ نیواورلئان^۲ (به‌ویژه طوفان کاترینا) که طی آن سازمان‌های مردم‌نهاد توانستند کمک‌های بسیار زیادی نسبت به سازمان‌های رسمی انجام دهند، مطابقت دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که نه فقط سازمان‌های مدنی در کمک به طوفان‌زده‌ها یاری‌گر سازمان‌های رسمی بودند، که کمک‌های مردم چه از نظر وسعت و کارآمدی و چه از نظر سرعت، بسیار اثربخش‌تر از سازمان‌های رسمی بود. گیدنز و استرن^۳ (۱۹۹۷) بر این باورند که سازمان‌های دولتی و رسمی به سبب الزام‌های سخت رسمی - انضباطی و غیرقابل انعطاف بودن؛ برای ایجاد ارتباط با اعضای خود و با سازمان‌های دیگر با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۹۷). این سازمان‌ها همچنین (همان‌طور که وبر، فوکویاما، ۱۳۷۹: کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۰ و لوکمان و برگر، ۱۳۷۵: ۱۹۳ و ۲۳۰ اشاره داشته‌اند) به سبب دیوان‌سالار بودنشان به خودی خود با میزان کمی از انسجام، تعهد و احساس تعلق نسبت به سایر گروه‌ها و سازمان‌های غیررسمی روبه‌رو هستند. همچنین این‌که سازمان (همان‌طور که میلر یادآور شده) به‌همین دلیل فاقد آن قابلیت‌های اجتماعی برقراری انواع سبک‌های ارتباطی است (علیزاده‌ا قدم،

1. Runyan

2. New Orlean

3. Streeten

۱۳۸۰). از بدینی‌های معمول که بگذریم، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، پژوهش‌های مفصل سازمان یونسکو نشان داده که سازمان‌های دولتی بیشتر وسیله چندان مناسبی برای مشارکت‌های اجتماعی و توسعه پایدار نیستند (سازمان یونسکو، ۱۳۷۶). این‌گونه سازمان‌ها به‌واسطه ساختار اداری و سلسله‌مراتبی، کمتر از سازمان‌های مدنی اطلاعات و تجربه دارند و کمتر با یکدیگر همکاری می‌کنند.

در این پژوهش اولویت‌بندی ابعاد ارتباط نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی نشان داد که ارتباط در بعد اطلاع‌رسانی (فرهنگی) در اولویت اول و برقراری ارتباطات اداری با آنها در اولویت آخر قرار داشت. یافته‌های پژوهش صادقی (۱۳۹۱) در این باره نشان می‌دهد که در حوزه فرهنگ و اطلاع‌رسانی، امروزه سهم عمده‌ای از بخش خصوصی در کشورمان را برخلاف بخش دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد تشکیل می‌دهند. آقاجانی (۱۳۸۸)، ساسمن (۱۳۸۸) و رستمی (۱۳۸۷)، سطوح فرهنگی و اطلاع‌رسانی را در کنار حمایت‌های تبلیغی و آموزشی از جمله نقش‌های مکمل (در ارتباطات بین سازمانی) یاد می‌کنند. در عین حال، یافته‌های گروهی از محققان نشان می‌دهد که برای اطلاع‌رسانی به مردم و سازمان‌ها و نهادهای مدنی (که در اینجا نخستین اولویت است) بهتر است ابتدا از شیوه‌های ارتباط جمعی استفاده کرد، سپس برای ترغیب افراد خاص، رؤسا و افراد بانفوذ، از شیوه‌های ارتباط بین شخصی که بیشتر مبتنی بر گفت‌وگو و ارتباط چهره به چهره است، استفاده شود. استفاده نسنجیده از شیوه‌های ارتباطی، نه فقط به کندشدن فرایند نشر و پذیرش یک طرح نوآورانه، مانند امنیت مشارکتی می‌انجامد، بلکه باعث بروز سوء تفاهم میان سازمان پلیس و نهادهای مدنی می‌شود. به‌طور کلی نتایج پژوهش و به‌ویژه تحلیل رگرسیون تأیید و تأکید داشت که نیروی انتظامی باید در ارتباط با سایر سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان‌های غیررسمی یا همان سازمان‌های مردم‌نهاد، ضمن حفظ تسلط خود، برای افزایش امنیت عمومی شهر بندرعباس، در خصوص اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی و جلب حمایت‌ها تلاش بیشتری به‌خرج داده و نقش پررنگ‌تری به آنها واگذار کند. مشورت‌های همیشگی با سازمان‌های غیررسمی، تشکیل کارگاه‌ها و کارگروه‌های مختلف و البته آموزش باید از دیگر فعالیت‌های

ارتباطی پلیس با سازمان‌های مردم‌نهاد باشد. برای نمونه «گنزاله»، «شوفیلد» و «هرایز» (۱۳۸۷): ۵۴ و ۱۸۵) در پژوهش‌های خود که بر روی بسیاری از مردم کشورهای آمریکای لاتین (مانند شورای امنیت ملی هندوراس، السالوادور، بولیوی، جامائیکا و...) انجام دادند، دریافتند که برای کنترل و برون‌رفت از چالش‌های اجتماعی نظیر چالش‌های امنیتی، آموزش و برگزاری کارگاه‌های مختلف و اطلاع‌رسانی روشن و شفاف پلیس به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، ضروری بوده و شیوه‌ای مهم در برقراری ارتباط است. «نیلد» (۱۳۸۷) نیز در گزارش خود آورده که یکی از مهم‌ترین موانع ایجاد مشارکت‌های مدنی با پلیس آن است که میزان آگاهی اعضای سازمان‌ها و نهادهای مدنی درباره برنامه‌ها و طرح‌های امنیتی پلیس بسیار اندک بود.

پیشنهادها

نتایج توصیفی این پژوهش نشان داد که خانواده‌ها همچنان فضای مناطق عمومی بندرعباس را برای خانواده و اعضای خود ناامن احساس می‌کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود کیوسک‌های انتظامی و تبلیغات محیطی (هشدارهای پلیسی) در بخش‌های جرم‌خیز مناطق عمومی طراحی و راه‌اندازی شود تا نه فقط حضور پلیس پررنگ‌تر شود، دسترسی به آنها نیز سریع‌تر شود.

باتوجه به این‌که، مشورت‌های همیشگی با سازمان‌های غیررسمی، همراه با اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی به آنها درباره امنیت عمومی شهر بندرعباس نه فقط مورد اقبال نمونه‌های پژوهش حاضر بوده؛ که در پژوهش‌های گنزاله، شوفیلد و هرایز (۱۳۸۷) و نیلد (۱۳۸۷: ۱۹۰) نیز مورد تأکید قرار گرفته بود، بنابراین پیشنهاد می‌شود با حضور کارشناسان سازمان‌های غیررسمی که تجربه و تخصص در مسائل امنیتی دارند، کمیته مشاورانی تشکیل شود که در این کمیته در عمل چالش‌های امنیت عمومی شناسایی و راهکارهای لازم و اجرایی به پلیس ارائه شود.

با توجه به نقش تعیین‌کننده رسانه‌ها در تولید، تأمین، حفظ و ارتقاء امنیت عمومی؛ به‌عنوان یکی از یافته‌های پژوهش حاضر؛ پیشنهاد می‌شود ضمن طراحی وبگاه امنیت عمومی و طراحی سامانه پیامک امنیت برای مخاطبان، تبادل اطلاعات و همکاری موجود با اصحاب رسانه‌ها به‌وسیله فرماندهان استان تقویت شود. برگزاری انواع نشست‌های مشترک و دوستانه، تشکیل اتاق‌های

فکر و گفت‌وگو، تشکیل کارگاه آموزشی مشترک، تنظیم تفاهم‌نامه‌های همکاری، تفویض برخی اختیارات و... می‌تواند از جمله این اقدام‌ها باشد.

آزمون فریدمن در این پژوهش نشان داد که در اولویت‌بندی ابعاد ارتباط نیروی انتظامی با سازمان‌های غیررسمی، بعد اطلاع‌رسانی (فرهنگی) در اولویت اول و برقراری ارتباطات اداری با آنها در اولویت آخر قرار داشت. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که پلیس بندرعباس برای اطلاع‌رسانی به مردم و سازمان‌ها به‌منظور شفاف‌بودن، به‌موقع و سریع‌بودن و همه‌جانبه‌بودن تلاش بیشتری از خود نشان دهد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). ساخت اجتماعی امنیت (درآمدی بر جامعه‌شناسی امنیت). فصلنامه دانش انتظامی. ۳(۴)، ۲۲-۵۳.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۵). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری علوم اجتماعی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- انصاری‌امین، مهدی (۱۳۸۲). مشارکت سازمان‌های غیردولتی در امور اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی. مطالعات دفاعی استراتژیک. ۴(۱۶)، ۵۵-۷۱.
- آذر، عادل و همکاران (۱۳۸۶). طراحی مدلی مبتنی بر شبیه‌سازی جهت بررسی و تحلیل ارتباطات بین سازمانی. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت.
- آقاجانی، حسنعلی (۱۳۸۴). پارادایم‌های پیدایش روابط بین سازمانی. مجله علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- آقاجانی، حسنعلی (۱۳۸۸). هماهنگی: درون‌سازمانی و برون‌سازمانی. مازندران: دانشکده اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نی.
- دعایی، حبیب‌الله (۱۳۷۲). ارائه الگوی ارتباطات سازمانی مناسب در گروه ملی صنعتی فولاد ایران. رساله دکتری مدیریت. تهران: دانشکده علوم انسانی و علوم اداری و مدیریت دانشگاه تهران.
- دفت، ریچارد ال (۱۳۷۷). تئوری و طراحی سازمان. علی پارسائیان و محمد اعرابی (مترجمان). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رابینز، استیفن پی (۱۳۸۵). تئوری سازمان (ساختار، طراحی، کاربردها). سیدمهدی اعرابی. تهران: بی‌نا.
- راجرز، اورت ام و شومیکر، اف. فولید (۱۳۶۹). رسانش نوآوری: رهیافتی میان‌فرهنگی. عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنایی (مترجمان). شیراز: دانشگاه شیراز.
- رستمی، عبدالرضا (۱۳۸۳ و ۱۳۸۷). آشنایی با نیروی انسانی پلیس‌های جهان (بریتانیا). دومه‌نامه توسعه انسانی پلیس. ۱(۲)، ۹۷-۱۰۳.
- رفیعی، فرشاده؛ صباغ‌گل، منصور و ابراهیمی، رعنا (۱۳۸۸). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در گسترش امنیت انسانی. ارائه‌شده در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا. ۳۴۵-۳۶۴.

- زارعی، عظیم (۱۳۸۵). طراحی مدلی جهت شناسایی، مستندسازی و تحلیل ارتباطات بین سازمانی در بخش دولتی. رساله دکتری مدیریت. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- زبردست، هادی (۲۰۰۶). تجارب کلیدی و عوامل موفقیت در همکاریهای بین سازمانی. ماهنامه تدبیر. ۱۷(۱۷۲).
- سازمان یونسکو (۱۳۷۶). فرهنگ و توسعه (رهیافت مردم‌شناختی توسعه). نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی (مترجمان). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ساسمن، جرالد و لنت، جان. ای (۱۳۸۷). اقتصاد سیاسی تلویزیون. نوشته مانجونات پنداکور. چاپ‌شده در کتاب ارتباطات فراملی و جهان سوم. طاهره ژیان احمدی (مترجم). تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ساسمن، جوزف مارتین (۱۳۸۸). دورنمای سیستم حمل‌ونقل هوشمند (ای.تی.اس). حسین موسویون (مترجم). تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- ساج، مایک و وارد، آلن (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی شهری. ابوالقاسم پوررضا (مترجم). تهران: سمت.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۴). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی. تهران: سمت.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از آن. مجموعه مقالات بررسی مسایل اجتماعی ایران. تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران و انتشارات آگاه. ۲۹۳-۳۲۶.
- شاکری، رضا (۱۳۸۱). پلیس، مردم و امنیت عمومی. تهران: سازمان عقیدتی و سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- شریف‌زاده، فتاح و سهیلی‌راد، غلامرضا (۱۳۸۲). بررسی تأثیر ارتباطات سازمانی در اثربخشی نظام تصمیم‌گیری در شرکت برق منطقه‌ای فارس و شرکت‌های وابسته. مدیریت و توسعه. شماره ۱۹.
- صادقی، محمدمسعود (۱۳۹۱). فرصت‌ها و تهدیدهای واگذاری فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی به سازمان‌های مردم‌نهاد با تمرکز بر دستور کار سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی. ماهنامه روابط فرهنگی. ۲(۶)، ۱۸-۲۰.
- صبوری، منوچهر (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی سازمان‌ها. تهران: نشر نی.
- علیزاده‌اقدام، رسول (۱۳۸۰). ارتباطات سازمانی (رویکردها و نظریه‌ها). تهران: آوای نور.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). ارتباطات سازمانی رسمی و غیررسمی. مجله مدیریت دولتی، شماره سوم.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن. غلام‌عباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سازمان‌ها: رویکردهای جامعه‌شناختی به سازمان و مدیریت. تهران: سمت.
- کاملی، جواد و الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۹). شبکه‌ها و خط‌مشی‌گذاری عمومی (الزام سازمان‌های عصر اطلاعات). تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). نظریه‌های بنیادین جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری (مترجم). تهران: نشر نی.
- گنزاله، آ و شوفیلد، و و هرایز، د (۱۳۸۷). همکاری بخش خصوصی و پلیس برای بهبود امنیت داخلی (مجموعه مقالات). چاپ در کتاب برون‌سپاری و مشارکت مردم در امور پلیسی. ساسان رستمی و الهام علی‌نسب (مترجم). تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات نیروی انتظامی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری (مترجم). تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موقیان (مترجم). تهران: نشر نی.
- لوکمان، پیتل و برگر، توماس (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی معرفت. فریبرز مجیدی (مترجم). تهران: عصر نو.
- لیتل‌جان، استیفن (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. سیدمرتضی نوربخش و سیدعلی‌اکبر میرحسینی (مترجم). تهران: جنگل.

- محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۸۰ و ۱۳۷۵). بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روان‌شناختی اجتماعی. فصلنامه نمایه پژوهش. (۱۸)۵.
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۵ و ۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. پرویز اجلالی (مترجم). تهران: مرکز مطالعات رسانه‌ها.
- میلر، لیندا اس و هس، کارون ام (۱۳۸۳). پلیس در اجتماع. محمدرضا کلهر (مترجم). تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین. نیلد، راشل (۱۳۸۷). نظارت شهروندان بر امنیت. چاپ‌شده در کتاب برون‌سپاری و مشارکت مردم در امور پلیسی. جمعی از نویسندگان. ساسان رستمی (مترجم). تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات نیروی انتظامی.
- وبستر، فرانک (۱۳۸۰ و ۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی. اسماعیل قدیمی (مترجم). تهران: قصیده‌سرا.
- ویندال، سون؛ سیگنایترز، بنو و اولسون، جین (۱۳۷۶). کاربرد نظریه‌های ارتباطات (مقدمه‌ای بر ارتباطات برنامه‌ریزی‌شده). علیرضا دهقان (مترجم). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هال، ریچارد اچ (۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و ۱۳۸۴). سازمان: ساختار، فرایند و ره‌آوردها. علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی (مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- هامیلتون، سیمور (۱۳۷۵). تجزیه و تحلیل ارتباطات سازمانی. داود محب‌علی (مترجم). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- یوسفی، بهرام (۱۳۷۶). طراحی و تبیین الگوی تحلیل ارتباطات سازمانی (در سازمان تربیت بدنی). رساله دکتری تربیت بدنی و علوم ورزشی. تهران: دانشکده علوم انسانی و علوم اداری و مدیریت دانشگاه تهران.
- Baker, Wayne E. and Robert R. Faulkner (2002). *Interorganizational Networks*. Pp, 520-540 in *The Blackwell Companion to Organizations*, edited by Joel A. C. Baum. Malden, MA: Blackwell.
- Barringer, Bruce R. and Jeffrey S. Harrison (2000). *Walking a Tightrope: Creating Value Through Interorganizational Relationships*. *Journal of Management*. 26(3), 367-403.
- Darr, Asaf (2003). *Gifting Practices and Interorganizational Relations: Constructing Obligation Networks in the Electronics Sector*. *Sociological Forum*. 18(1), 31-51.
- Doerfel Marya L; Lai, Chih-Hui & Chewing, Lisa V (2005). *The Evolutionary Role of Interorganizational Communication: Modeling Social Capital in Disaster Contexts*.
- Doerfel, M. L. & Taylor, M (2005). *Network dynamics of interorganizational communication: The Croatian civil society movement*. *Communication Monographs*. (71), 373-394.
- Doerfel, Marya L (2008). *Interorganizational Communication*. *The International Encyclopedia of Communication*. Donsbach, Wolfgang (Ed). Blackwell Publishing. Blackwell Reference Online. 05 June 2009. http://www.communicationencyclopedia.com/subscriber/tocnode?id=g9781405131995_chunk_g978140513199514_ss76-1
- Hardy, Cynthia; Phillips, Nelson and Lawrence, T (1998). *Distinguishing Trust and Power in Interorganizational Relations: Forms and Facades of Trust*. Pp. 64-87 in *Trust Within and Between Organizations: Conceptual Issues and Empirical Applications*, edited by Christel Lane and Reinhard Bachmann. Oxford: Oxford University Press.
- Husak, D (2004). *The Criminal Law as Last Resort*. *Oxford Journal of Legal Studies*. 24(2).
- Ibrahim M.K.M (2003). *Interorganizational Systems From Different Perspectives*. Netherlands. Tilburg University Department of Information Systems and Management.
- Jones, Elizabeth (2004). *organizational communication: challenges the new century: International communication Association*. *Journal of communication*. 54(4), 588- 816.
- Meier, J (1995). *The importance of relationship management in establishing successful inter-or-*

- ganizational systems. Journal of Strategic Information Systems. 4(2).
- Osborn, Richard N and Christopher Baughn, C (1990). Forms of Interorganizational Governance for Multinational Alliances. Academy of Management Journal. 33, 503-519.
- Raab, Jörg and Brinton Milward, H (2003). Dark Networks as Problems. Journal of in Trust Within and Between Organizations: Conceptual Issues and Empirical Applications, edited by Christel Lane and Reinhard Bachmann. Oxford: Oxford University Press.
- Truman, Gregory E (1996). An empirical investigation into interior organizational systems usage, systems integration, and organizational. Performance in the group insurance industry. Working Papers series. New York: NYU Stern School of Business.
- Wigand, R. T (1977). A cybernetic model of communication and inter-organizational relationships among complex organizations. Proceedings of the Eighth International Congress on Cybernetics, 463-480.
- Wigand, rolf t. (1974). interorganizational communication among complex organization. New orlan: international communication association.

